

بررسی مهارت‌های اقتصاد خانوار در زنان قالیباف دهستان داریان، شهرستان شیراز

مریم شریف زاده^{1*} - ندا کاظمی²

تاریخ دریافت: 1394/06/09

تاریخ پذیرش: 1395/11/02

چکیده

ناپایداری معیشت از موانع توسعه محسوب می‌شود و از راه‌های مقابله با آن، اتکا به اقتصاد خانوار است. معیشت دربرگیرنده‌ی قابلیت‌ها، دارایی‌ها و فعالیت‌های مورد نیاز زندگی است. بدیهی است چنین قابلیت‌ها، مهارت‌ها و دارایی‌هایی در زنان روستایی بخش مهمی از فرصت حیات خانوار را در دنیای در حال تغییر فراهم می‌سازد. لذا، این پژوهش برآن است تا با بررسی مهارت‌های اقتصاد خانه و خانه‌داری در زنان قالیباف دهستان داریان، شهرستان شیراز به واکاوی تعیین‌کننده‌های بروز این مهارت‌ها در بین زنان روستایی بپردازد. این مطالعه از نوع مطالعات همبستگی می‌باشد. روش انجام آن پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ای ساختارمند بوده که مقیاس‌های مختلف آن دارای آلفای کربناخ بین دو بازه 0/69-0/94 بودند. دو بیست زن از دهستان داریان با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب انتخاب گردیدند. ابزارهای تحلیل داده‌ها در این مطالعه نسخه 22 نرم افزار آماري SPSS^{win} و Super Decision بوده است. نتایج این مطالعه نشان داد در بین مهارت‌های اقتصاد خانه‌داری، زنان روستایی مناطق توسعه یافته و نیمه توسعه یافته از نظر مهارت زندگی خانوادگی، مهارت مدیریتی و مهارت درآمدزایی در محیط خانه دارای تفاوت معناداری با یکدیگر هستند. همچنین مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های اقتصاد خانوار نیز مهارت‌های زندگی، سطح توسعه یافتگی مناطق روستایی، حمایت خانوار از فعالیت‌های زنان و تجربه قالی بافی آنان می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد خانوار، اولویت زندگی، مهارت‌های زندگی، زنان روستایی، دهستان داریان

مقدمه

البته، لازم به ذکر است که تمام این تعاریف درون‌زایی توسعه را محور قرار داده و به دنبال اتکای مردم روستا به خود برای رسیدن به توسعه می‌باشند (2).

علاوه بر تسریع‌کننده‌های توسعه روستایی، دستیابی به آن موانعی نیز دارد. امروزه ناپایداری معیشت یکی از موانع و علل توسعه نیافتگی روستایی محسوب می‌شود. از نظر دیویس (8)، تنگناهای طبیعی و انسانی منجر به ناپایداری معیشت در جوامع روستایی شده است. میشل هورن (29)، یکی از راه‌های مقابله با ناپایداری در تامین معیشت را، بهبود اقتصاد خانوارهای روستایی می‌داند (13 و 16). مروری بر جایگاه زنان روستایی در اقتصاد خانوار نشان می‌دهد، که زنان روستایی نقش مهمی را در زندگی خانوادگی و اجتماعی، اقتصادی، جامعه دارا می‌باشند. محققان مختلف نقش‌های متنوعی را برای زنان روستایی متصور شده‌اند (44، 38، 16، 25 و 26). در ایران، اقتصاد خانوار بیشتر بر محور زنان و در چارچوب خانه استوار است. اقتصاد خانوار یکی از مهم‌ترین ابعاد اقتصاد غیرزراعی روستایی و مشتمل بر تمام تحلیل‌ها و تصمیم‌های اقتصادی است که به وسیله‌ی خانوار اتخاذ می‌گردد (17). این زیرساخت خرد اقتصاد، در ابتدا به وسیله پیشگامان اقتصاد خانوار، گری بکر و جاکوب مینسر، بنیان گذارده شد (17). تمام ابعاد اقتصاد خانوار از دید کار و ژاکوبسن (17)

توسعه مفهومی است که به شدت تحت تاثیر مکان قرار داشته و بویژه تمایز عمده‌ای که میان مناطق با درجات مختلف توسعه یافتگی به چشم می‌خورد، ناشی از قابلیت‌های طبیعی و انسان‌ساز مکانی است (3، 6 و 10). برخی توسعه روستایی را به‌عنوان یک راهبرد جهت بهبود و اصلاح وضع زندگی اقتصادی و اجتماعی یک گروه ویژه‌ی روستایی یعنی فقرا و مستمندان در مناطق روستایی می‌شناسند (15) که هدف از تدوین برنامه‌های آن باید توانا ساختن توده‌های جمعیت روستایی باشد که نمی‌توانند با تلاش‌های خود نیازهای اساسی زندگی را برآورده سازند.

به‌طور کلی با توجه به تعاریف ذکر شده، توسعه روستایی اصولاً به معنای تغییر شکل اساسی در همه‌ی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روابط انسانی در روستاها است، که به تدریج شرایط زندگی مردم روستا را بهبود بخشیده و عامه‌ی مردم روستا از مواهب آن بهره‌مند می‌شوند.

1- استادیار و دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج کشاورزی، گروه مدیریت توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج
(*) - نویسنده مسئول: (Email: m.sharifzadeh@yu.ac.ir)

اشتغال، نبود تحصیلات رسمی، دسترسی اندک به بازار، آفات و بیماری‌های چارپایان و گیاهان زراعی، بهداشت انسانی اندک، دسترسی محلی کم به غلات، توزیع ضعیف شبکه‌ها و زیرساخت‌ها، مهاجرت به داخل و خارج، تورم، کشاکش‌های سیاسی و اجتماعی، فروش نهاده‌ها، نهاده‌های اندک کشاورزی، و سیاست‌های رسمی و غیر رسمی دولت، را از جمله عوامل تاثیرگذار بر اقتصاد خانوار می‌داند. کار و ژاکوبسن (17)، سطح تحصیلات سرپرست خانوار، جنسیت سرپرست خانوار، سن سرپرست خانوار، تعداد ساعاتی که اعضای خانوار در هفته به فعالیت اقتصادی می‌پردازند، درآمد از کشاورزی، درآمد رسمی از حقوق، کل درآمد خانوار، ارزش نهایی چارپایان، فاصله تا محل اشتغال، فاصله تا بازار، سال‌های شکل‌گیری خانواده، تعداد اعضای خانوار، گستره‌ی اقتصادی خانوار، ارزش اثاثیه و وسایل منزل، و پس‌انداز خالص خانوار را به عنوان عوامل تاثیرگذار بر اقتصاد خانوار معرفی نموده‌اند.

هوگارت و همکاران (13)، مولفه‌های سرانه زمین‌های جنگلی، سرانه زمین‌های زراعی، دارایی چارپایان، سن سرپرست خانوار، سطح تحصیلات سرپرست خانوار، بهره‌وری زمین‌های زراعی، درآمد از تجارت و درآمد از حقوق کارگری را از عوامل تاثیرگذار بر اقتصاد خانوار می‌دانستند.

از دید هرلیانا (12)، سطح تحصیلات سرپرست خانوار، سن سرپرست خانوار، تجربه کار در صنایع، تعداد نیروی کار خانوار، نیروی کار درون خانوادگی، تعداد نیروی کار خانوار که در خارج از منزل کار می‌کنند، مقدار منابع موجود برای اشتغال، ارزش منابع موجود، تسهیلات تولید، مالکیت سرمایه، درآمد کل، هزینه تولید، حقوق کاری خارج از صنایع، هزینه‌های دسترسی به بازار، تجارب موجود در صنایع، ظرفیت تولید، بهره‌وری تولید، درآمد از صنایع، درآمد از خارج از صنایع، طول دوره تولید، مالیات، پس‌انداز، سطح تحصیلات همسر، و وجود مخالفان با اقتصاد خانوار از جمله عوامل موثر بر اشتغال خانوار هستند. وی بیان می‌کند که در جوامع کمتر توسعه یافته، عوامل بازدارنده دارای قدرت بازدارندگی بیشتر هستند و عوامل پیش‌برنده دارای قدرت پیش‌برندگی کمتر هستند.

منصورآبادی و کرمی (26)، تاثیر توسعه را بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی استان فارس مطالعه نمودند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که توسعه منجر به افزایش درآمد خانوار و سطح سواد زنان گردیده، اما بر اشتغال زنان به کارهای کوچک درآمدزا تاثیر منفی گذاشته است. در نتیجه‌ی توسعه بر تشکیل کلاس‌های آموزشی و دسترسی به اعتبارات، موثر بوده اما مشارکت زنان در تصمیم‌گیری امور خانه کاهش یافته است. منزلت زن در خانه طی جریان توسعه کاهش و همسر آزاری افزایش پیدا کرده است. در نهایت، توسعه بر میزان رضایت زنان روستایی از وضعیت خود موثر بوده است.

عبارت از: مصرف و پس‌انداز، تامین نیروی کار خانوار، فرزندداری و نرخ باروری، بهداشت و سلامت، نگهداری از سالمندان، همسایگی و ازدواج، طلاق و جدایی، هزینه‌های ناشی از ازدواج، روابط اقتصادی با شرکای تجاری می‌باشند. به اعتقاد بکر (5)، افزون بر کالاهای تولید خانوار، خدمات ارائه شده‌ی خانوار نیز بخشی از اقتصاد خانوار هستند. این ابعاد مشتمل بر فرزندداری، منزلت اجتماعی، غیرت، بهداشت و احترام به حقوق دیگران می‌باشند.

بررسی دیدگاه‌های فوق حاکی از ترسیم طیف فعالیت‌های مختلفی به عنوان مهارت‌های اقتصاد خانوار است. به طوری که این فعالیت‌ها مهارت‌های تولیدی درآمدزای خارج از محیط خانه (23، 20 و 19) ارائه خدمات به جامعه (14، 33، 28 و 1) تامین منابع اولیه زندگی (11) و نیز فعالیت در محیط داخل خانه را در بر می‌گیرد. با عنایت بر نظریات فوق می‌توان ادعان نمود که اقتصاد خانوار حرفه و زمینه‌ی اقتصادی - مدیریتی برای خدمات‌رسانی به خانواده و اجتماع است. بنابراین، اقتصاد خانوار، مهم‌ترین زیرساخت خرد خانوار است، که تمام فعالیت‌های خانوار بر آن مبتنی می‌گردند. این زیرساخت افزون بر کالاهای تولید خانوار (درآمدزایی در محیط خانه)، خدمات ارائه شده‌ی خانوار به افراد توانمند و ناتوان درون خانوار (زندگی خانوادگی، مهارت‌های مدیریتی، خانه‌داری و دکوراسیون خانه، فرزندداری، تغذیه و پوشاک) را نیز شامل می‌شود.

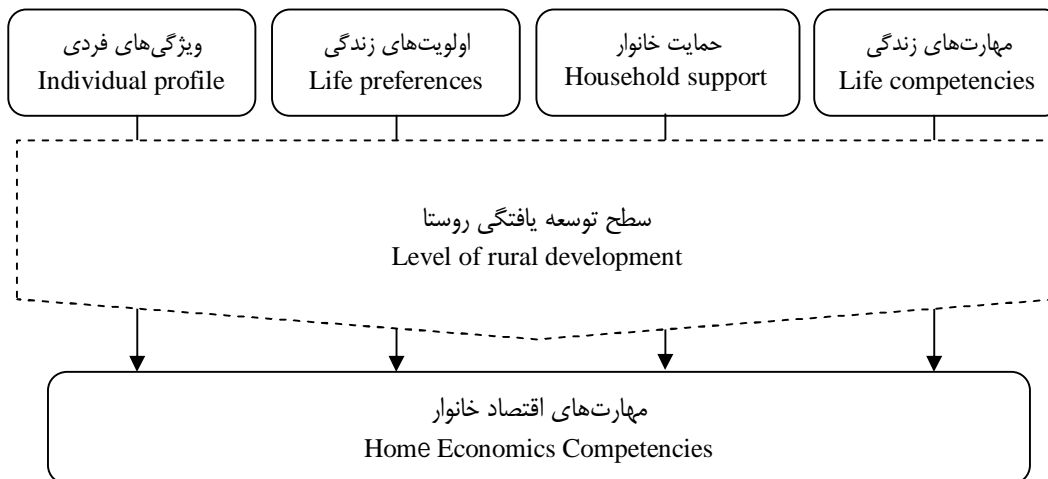
مطالعات مختلف، عوامل متعددی را بر اقتصاد خانوار موثر می‌دانند، بخشی از مطالعات بر عوامل تعیین کننده‌ی اقتصاد خانوار تمرکز جسته‌اند (31، 33، 23، 20 و 19). تعدادی از مطالعات نیز بر عوامل موثر بر مهارت‌های اقتصاد خانوار معطوف شده‌اند (8، 5، 9، 18 و 4). همچنین برخی از مطالعات به بررسی سازه‌های مؤثر بر حیطه‌های مهارت‌های اقتصاد خانوار شامل سازه‌های مؤثر بر زندگی خانوادگی (22، 30 و 37)؛ سازه‌های مؤثر بر مهارت‌های مدیریتی (34 و 35)؛ سازه‌های مؤثر بر مهارت‌های فرزندداری (42، 32، 41 و 21)؛ سازه‌های مؤثر بر مهارت تغذیه در اقتصاد خانوار (24، 29 و 27)؛ و سازه‌های مؤثر بر فعالیت‌های درآمدزا در محیط خانه (45 و 7) پرداخته‌اند.

به اعتقاد مینکاشی و ری (31)، تعداد اعضای خانوار، هزینه سرانه خانوار، اندازه خانوار، زمین تحت مالکیت، و سهم از غلات، از عوامل تاثیرگذار بر اقتصاد خانوار هستند. آیگا و اومنا (2)، عوامل موثر بر اقتصاد خانوار را عبارت از: سن، بعد خانوار، هزینه فرصت فعالیت اقتصادی خانوار، سال‌های سکونت در جامعه، متوسط درآمد ماهانه اعضای خانوار، تعداد اعضای بیکار خانوار، نوع کاری که یکی از اعضای خانوار بیشترین درآمد را از آن دارد (کارمند یا کارگر)، جنسیت سرپرست خانوار، سن سرپرست خانوار و سطح تحصیلات سرپرست خانوار می‌دانند. میشل هورن (29)، فشارهای اقلیمی و محیطی، فقر، افزایش قیمت غذا، فقدان قوانین دسترسی به زمین و امکانات، نبود

نیز تاثیر بسزایی دارند. از آنجا که زنان روستایی دارای مهم‌ترین نقش بنیادی در خانوار هستند، بار بیشتر فعالیت‌های خانه‌داری و اقتصاد خانوار بر دوش آنان است. زنان روستایی ایرانی تقریباً تمام فعالیت‌های مربوط به اداره‌ی منزل، تربیت و نگهداری فرزندان، تهیه و تبدیل مواد غذایی را به عهده داشته و نقش قابل ملاحظه‌ای در فعالیت‌های کشاورزی و صنایع دستی از جمله قالیبافی دارند. از این رو در راهبردهایی که از سوی اندیشمندان و اقتصاددانان توسعه برای توسعه‌ی اقتصادی مطرح می‌شود به حضور فعال زنان، در کنار مردان در برنامه‌های توسعه توجه خاصی شده‌است. بنابراین، پرداختن به زنان و تعیین جایگاه مهارت‌های خانه‌داری و اقتصاد خانوار در توسعه، می‌تواند به آگاهی برنامه‌ریزان توسعه منطقه‌ای در برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه کمک نماید.

از این رو، هدف کلی این پژوهش، بررسی قیاسی مهارت‌های اقتصاد خانه و خانه‌داری در زنان قالیباف دهستان داریان بوده است. در این راستا، اهداف اختصاصی زیر دنبال شده است: (1) بررسی قیاسی مهارت‌های اقتصاد خانوار در روستاهای توسعه یافته و نیمه توسعه یافته دهستان داریان؛ (2) بررسی قیاسی مهارت‌های زندگی در روستاهای توسعه یافته و نیمه توسعه یافته دهستان داریان؛ (3) بررسی قیاسی اولویت‌های زندگی زنان روستایی در روستاهای توسعه یافته و نیمه توسعه یافته دهستان داریان؛ و (4) مقایسه تعیین کننده‌های مهارت‌های اقتصادی خانوار در روستاهای توسعه یافته و نیمه توسعه یافته دهستان داریان. برای دستیابی به هدف فوق از چارچوب پژوهش ذیل استفاده شده است.

علیایی و همکاران (35)، عوامل موثر بر فعالیت‌های اقتصاد خانوار را عبارت از تعداد فرزندان، ارزش نیروی کار زنان، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوار، میزان تحصیلات، و اعتقاد به سنت‌های اجتماعی می‌دانند. نوری و علی‌محمدی (32)، عوامل مؤثر بر فعالیت‌های اقتصادی زنان را شامل ویژگی‌های فردی (سن، سواد، تاهل، تحصیلات همسر، شغل همسر، درآمد همسر، و تعداد فرزندان)، وضعیت اشتغال زنان، نظر خانواده، انگیزه اشتغال، سهم درآمد زنان از درآمد خانوار، میزان رضایت از درآمد، موارد مصرف درآمد، وضعیت اقتصادی در صورت عدم ادامه فعالیت، تخصص و تجربه در زمینه حرفه، رضایت شغلی، موقعیت‌های شغلی منطقه، و موانع و مشکلات اشتغال زنان می‌دانند. در این مطالعه، سطح توسعه یافتگی منطقه به صورت ضمنی بر مهارت اقتصاد خانوار زنان مؤثر قلمداد شده‌است. به طوری که، در مناطق با سطح توسعه یافتگی بیشتر، موقعیت‌های شغلی برای زنان بیشتر بوده و موانع و مشکلات اشتغال زنان کمتر است. حجازی و همکاران (11)، عوامل مؤثر بر فعالیت‌های اقتصاد خانوار زنان را شامل وسعت زمین، نوع مالکیت، درآمد، استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی، سن، وضعیت تاهل، تعداد اعضای خانوار، سواد، سابقه کشاورزی، شغل اصلی، انگیزه‌های درونی، انگیزه‌های بیرونی، عضویت در مجامع مشارکتی، مشارکت در مجامع مشارکتی، تعامل اجتماعی، استفاده از منابع اطلاعاتی، بهره‌گیری از کانال‌های ارتباطی، و حضور در دوره‌های ترویجی می‌دانند. همانگونه که در مطالعات فوق ذکر گردید، مهارت‌های اقتصاد خانوار، می‌توانند نقشی بنیادی برای دستیابی جوامع به توسعه ایفا نماید. هرچند توسعه یافتگی جوامع نیز بر مهارت‌های اقتصاد خانوار



شکل 1- سازه‌های موثر بر مهارت‌های اقتصاد خانه و خانه‌داری در زنان قالیباف دهستان داریان (منبع: پژوهش حاضر)

Figure 1-factors affecting home economics competency in rural women of Darian township (reference: research findings)

مشاهده می‌شود. در این چارچوب، مولفه‌های مهارت‌های زندگی،

در شکل یک چارچوب پژوهش مورد استفاده در این مطالعه

بود. شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش برای سنجش سطح توسعه یافتگی روستاها عبارت بودند از: تعداد فضای آموزشی در دسترس در روستاها (مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و دانشگاه‌ها)، سرانه فضای آموزشی در دسترس در روستاها، تعداد فضاهای بهداشتی در دسترس در روستاها، سرانه فضاهای بهداشتی در دسترس در روستاها، طول راه‌های آسفالت و خاکی موجود در روستاها، سرانه راه‌های آسفالت و خاکی موجود در روستاها، تعداد ادارات دولتی موجود در روستاها، تعداد و درصد افراد باسواد در روستاها، تعداد و درصد افراد شاغل در روستاها از جمله شاخص‌های مورد استفاده برای پهنه‌بندی سطح توسعه‌یافتگی روستاهای دهستان داریان بوده است. در جدول 1 نمره توسعه یافتگی روستاهای نیمه توسعه یافته و بیشتر توسعه یافته نشان داده شده است. بر مبنای تعداد خانوار ساکن، در فرآیند نمونه‌گیری، روستاهای توسعه‌نیافته دهستان داریان از مطالعه حذف گردیده‌اند (جدول 1).

ابزار جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه‌ای ساختارمند بوده است. روایی ابزار سنجش توسط پانل متخصصان تایید گردید. برای سنجش پایایی مطالعه‌ی راهنما خارج از منطقه آماری ترتیب داده شد. نتایج آزمون اعتبار سنجی نشان داد که مقیاس‌ها دارای آلفای کرباخ بین دو بازه 0/69-0/94 بودند (جدول 2). که نشان از اعتبار ابزار سنجش داشت. برای جمع‌آوری اطلاعات مطالعه از تکنیک مصاحبه رودر رو استفاده گردید. ابزارهای تحلیل داده‌ها در این مطالعه شامل نسخه 22 نرم افزار آماری SPSS^{win} برای تحلیل همه اطلاعات جمع‌آوری شده، و نرم‌افزار Super Decision برای تعیین اولویت‌های زندگی زنان روستایی بوده است. متغیرهای سنجیده شده در این پژوهش عبارت بودند از:

اولویت‌های زندگی: اولویت‌بندی اولویت‌های زندگی زنان روستایی با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی² صورت گرفته است. برای سنجش این اولویت‌ها، از جدول مقایسه زوجی استفاده گردید. در این جدول، هشت مورد از اولویت‌های زندگی زنان روستایی با استفاده از معیار «بهبود زندگی فردی و خانوار زنان روستایی» مورد سنجش قرار گرفتند. برای هر پاسخگو، پاسخ‌ها با استفاده از نرم‌افزار Super Decision در مدلی در سه سطح هدف، معیار و گزیدار پردازش شد. هدف این تحلیل اولویت‌بندی زندگی زنان روستایی بود که معیار این اولویت‌بندی بهبود زندگی فردی و خانوار زنان روستایی بود. گزیدارهای این مطالعه عبارت از فرزندداری، زناشویی، سوادآموزی، اشتغال، دفاع از حقوق فردی، بهداشت، مشارکت در گروه‌ها و ورزش بودند. برای هر کدام از پاسخگویان، مدل رسم شده در نرم‌افزار به صورت جداگانه مورد مقایسه زوجی قرار گرفت. سپس جدول وزن‌دهی نرمال حاصل از نرم‌افزار استخراج گردید، و برای هر

حمایت خانوار و اولویت‌های زندگی و ویژگی‌های فردی به عنوان سازه‌های موثر بر مهارت‌های اقتصاد خانوار و خانه‌داری در زنان قالیباف دهستان داریان می‌باشند. همچنین متغیر سطح توسعه یافتگی روستا اثر این متغیرها بر متغیر وابسته‌ی مهارت اقتصاد خانوار را تعدیل می‌کند. این چارچوب در قسمت روش پژوهش به تفصیل شرح داده شده است.

مواد و روش‌ها

این مطالعه از نوع مطالعات همبستگی می‌باشد. روش انجام این پژوهش پیمایش مقطعی است. جامعه‌ی آماری این مطالعه 1400 نفر از زنان روستایی دهستان داریان شهرستان شیراز بودند. انتخاب دهستان داریان به عنوان منطقه مورد مطالعه به دلیل سهم بارز زنان در نقش اقتصادی قالیبافی بوده است، به طوری که می‌توان درآمد سالانه زنان روستایی قالیباف این منطقه را 18 میلیارد ریال تخمین زد. درآمدی که می‌تواند نقش قابل‌اتکایی را در کاهش فقر منطقه داشته باشد. برای تعیین حجم نمونه آماری از فرمول نمونه‌گیری طبقه‌ای شفر و همکاران بهره گرفته شد (40). در این فرمول، N کل جمعیت، N_i تعداد جمعیت در طبقه i ، w_i نسبت جمعیت هر طبقه (i) به کل جمعیت، σ_i^2 واریانس جمعیت برای طبقه i ، $D = B^2/4$ ، و عدد متناظر با ضریب B در این پژوهش برابر با 1 بوده است.

$$n = \frac{\sum_{i=1}^L \frac{N_i^2 \sigma_i^2}{w_i}}{N^2 D + \sum_{i=1}^L N_i \sigma_i^2}$$

با توجه به تعداد اعضای جامعه و بر مبنای اطلاعات مندرج در جدول 1 حجم نمونه آماری 178 نفر برآورد گردید که برای افزایش اطمینان، 200 زن قالیباف روستایی مورد مطالعه قرار گرفتند. اعضای نمونه‌ی آماری با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای¹ تصادفی با انتساب متناسب تعیین گردید (جدول 1). طبقات بر مبنای سطح توسعه یافتگی مناطق روستایی مورد مطالعه انتخاب شد. برای سنجش سطح توسعه یافتگی روستاهای دهستان داریان از روش اسکالوگرام گاتمن که مبتنی بر شمارش و وزن دهی امکانات فیزیکی و زیرساخت‌ها هر روستا بوده استفاده شد. سپس، مجموعه تمام اوزان با یکدیگر جمع جبری گردیدند. در نهایت نمره سطح توسعه یافتگی برای هر روستا محاسبه و به معادله وارد گردید. مقیاس سنجش در اسکالوگرام گاتمن بزرگتر و یا مساوی صفر می‌باشد، با توجه به این موضوع، در مطالعه حاضر، توسعه یافته‌ترین روستا دارای نمره توسعه یافتگی 25 و توسعه نیافته‌ترین روستا دارای نمره توسعه یافتگی 1

گزیدار، وزن حاصل به نرم افزار SPSS وارد شد.

جدول 1- پهنه‌بندی توسعه یافتگی مناطق روستایی دهستان داریان

Table 1- Rural development zoning of Darian township

روستا Village	امتیاز Score	درجه توسعه یافتگی level of development	خانوار household	نمونه آماری sample
TarborJafari تریبرجعفری	17	Developed توسعه یافته	499	
Izadkhash baaseri ایزدخواست باصری	21	Developed توسعه یافته	389	68
Doodej دودج	25	Developed توسعه یافته	356	
TarborLaiBisheh تریبرلای بیشه	15	Semi-developed نیمه توسعه یافته	320	80
Kooshk Mowla کوشک مولا	18	Developed توسعه یافته	235	30
Tarborsadat تریبرسادات	9	Semi-developed نیمه توسعه یافته	117	
Bardej بردج	13	Semi-developed نیمه توسعه یافته	116	
Aliabadsetalan علی‌آباد سه‌تالان	9	Semi-developed نیمه توسعه یافته	54	22
Khaledabad خالدآباد	3	Under-developed توسعه نیافته	18	
Gharghavol gardens باغات قراول	8	Under-developed توسعه نیافته	12	
Pirbadam farm مزرعه پیربادام	1	Under-developed توسعه نیافته	5	
Sa'di gardens باغات ودآمداری‌های سعدی	5	Under-developed توسعه نیافته	4	
Falahat dar Faraghat طرح فلاحت در فراغت	5	Under-developed توسعه نیافته	1	

ماخذ: یافته‌های تحقیق

Source: Research findings

بیش از 150 گویه مورد سنجش قرار گرفتند.

مهارت اقتصادی خانوار: برای سنجش مهارت خانه‌داری و اقتصادی خانوار زنان روستایی، هفت حیطه مهارتی زنان در امور خانه‌داری و اقتصاد خانوار، شامل حیطه‌های: زندگی خانوادگی، مهارت‌های مدیریتی، فرزندداری، خانه‌داری و دکوراسیون خانه، تغذیه، پوشاک و درآمدزایی در محیط خانه می‌باشد، مورد واکاوی قرار گرفتند. این حیطه‌ها مستخرج از مطالعه هادسون (15) بودند که با استفاده از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای مورد سنجش قرار گرفتند.

مهارت‌های زندگی: برای سنجش متغیر مهارت‌های زندگی از شاخص 11 مقیاسی استاندارد ساعتچی (39) استفاده شد، که این شاخص‌ها به ترتیب شامل مولفه‌های: 1- مهارت خودآگاهی، 2- داشتن هدف در زندگی، 3- مهارت‌های مربوط به روابط انسانی، 4- روابط بین‌فردی، 5- تصمیم‌گیری، 6- بهداشت و سلامت روانی، 7- مهارت در حل مسئله، 8- مهارت مشارکت و همکاری، 9- مهارت تفکر خلاق (خلاقیت)، 10- تفکر انتقادی و 11- نشان دادن مسئولیت‌های فردی است. این شاخص در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. در مجموع این 11 مولفه با

جدول 2- نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای هفت حیطه‌ی مهارت اقتصاد خانوار

Table 2- Results of Chronbach's Alpha for seven home economic competency measures

شاخص Index	آلفای کرونباخ Chronbach's Alpha
مهارت زندگی خانوادگی Family living competencies	0.94
مهارت‌های مدیریتی Managerial competencies	0.78
مهارت فرزندداری Child development competencies	0.76
مهارت خانه‌داری و دکوراسیون خانه Housing and home furnishing competencies	0.73
مهارت تغذیه Food and nutrition competencies	0.75
مهارت پوشاک Clothing and textiles competencies	0.75
مهارت فعالیت‌های درآمدزا در محیط خانه Homemade income-generation activities	0.79

ماخذ: یافته‌های تحقیق

Source: Research findings

نتایج و بحث

روستایی مورد مطالعه نیز به ترتیب 1/2 و 10 میلیون ریال می‌باشد. بر مبنای اطلاعات جدول، هزینه‌های ماهانه خانوارهای روستایی از درآمد آنها بیشتر می‌باشد، که این موضوع باعث می‌شود که خانوارهای روستایی نیز برای جبران این کسری درآمد از قالی‌بافی به عنوان درآمد جایگزین استفاده نمایند. متوسط بیان شده درآمد ماهانه خانوارهای روستایی از قالیبافی 2/4 میلیون ریال (با کمینه و بیشینه 1 و 5 میلیون ریال) می‌باشد. این فعالیت جانبی باعث می‌شود که اختلاف درآمد و هزینه خانوارهای روستایی جبران شود. میانگین تجربه قالیبافی زنان روستایی مورد مطالعه بیش از 11 سال (با انحراف میانگین 6/73 سال) بود. این موضوع نشان می‌دهد که قالیبافی از نسلی به نسل دیگر در این روستاها منتقل شده است و علاوه بر نقش درآمدی، یک موضوع فرهنگی می‌باشد که زنان روستایی در پی حفظ آن می‌باشند.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان روستایی مورد مطالعه را می‌توان در جدول 3 مشاهده نمود. بر مبنای اطلاعات این جدول، میانگین سن زنان روستایی مورد مطالعه بیش از 42 سال بوده و کمینه و بیشینه سن آنان 20 و 65 سال می‌باشد. میانگین سطح تحصیلات زنان روستایی منطقه در حدود 8 سال (با کمینه‌ی صفر و بیشینه‌ی 16 سال) می‌باشد. میانگین سطح تحصیلات همسران آنها نیز بیش از 6 سال (با کمینه‌ی صفر و بیشینه‌ی 16 سال) بوده است. نکته قابل تامل در این زمینه، تحصیلات کمتر مردان در مقایسه با زنان روستایی مورد مطالعه می‌باشد، که در مشاهدات میدانی نیز این موضوع ملموس بود. متوسط درآمد ماهانه خانوار 5/6 میلیون ریال بوده است (کمینه و بیشینه درآمد ماهانه خانوارهای روستایی مورد مطالعه 2 میلیون و 10 میلیون ریال بود). متوسط هزینه ماهانه خانوار 5/65 میلیون ریال بوده که کمینه و بیشینه درآمد ماهانه خانوارهای

جدول 3- توصیف خصوصیات فردی زنان مورد مطالعه

Table 3- Description of demographic characteristics of rural women

نام متغیر Variable	میانگین \bar{x}	انحراف استاندارد SD	کمینه Min	بیشینه Max
سن Age (Years)	42.54	8.51	20	65
تحصیلات Education (Years)	8.54	3.70	0	16
تحصیلات همسر Spouse education (Years)	6.85	4.65	0	16
متوسط درآمد ماهانه خانوار Household mean income/month (Million Rials)	5.6	1.62	2	10
متوسط درآمد ماهانه از قالیبافی Weaving mean income (Million Rials)	2.4	0.83	1	5
متوسط هزینه ماهانه خانوار Household mean costs/month (Million Rials)	5.65	1.44	1.2	10
تجربه قالیبافی Weaving experiences (Years)	11.28	6.73	2	40

ماخذ: یافته‌های تحقیق

Source: Research findings

مناطق بیشتر توسعه یافته دارای میانگین کمتری در مقایسه با زنان قالیباف در مناطق نیمه توسعه یافته می‌باشند. این تفاوت میانگین نیز معنادار نشده است. در خصوص سایر اولویت‌های زندگی نظیر زناشویی، بهداشت، و مشارکت در گروه‌ها، ورزش، سوادآموزی، و دفاع از حقوق فردی نیز تفاوت معنی‌داری در دو منطقه مشاهده نشد.

بر مبنای اطلاعات جدول 4، مهم‌ترین اولویت زندگی زنان روستایی در هر دو دسته روستای مورد مطالعه، فرزندداری است که

اولویت‌های زندگی

در جدول 4 مناطق توسعه یافته و نیمه توسعه یافته از نظر مهم‌ترین اولویت‌های زندگی زنان روستایی با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. بر مبنای اطلاعات این جدول، هرچند در مناطق بیشتر توسعه یافته اشتغال مهم‌ترین اولویت زنان روستایی در مقایسه با هم‌تایان خود در مناطق نیمه توسعه یافته می‌باشد، لکن تفاوت میانگین معنادار نشده است. فرزندداری نیز از نظر زنان قالیباف در

(31) نیز تأیید شده است. این موضوع به وسیله آخرین اولویت‌های زندگی آنان (یعنی ورزش و مشارکت در گروه‌ها) نیز تأیید می‌گردد، و نشان می‌دهد که موضوع‌هایی که به سلامت جسمی و روانی خود زنان مربوط می‌شوند و کیفیت زندگی شخص آنان را بهبود می‌بخشند در رتبه آخر از توجه قرار دارند.

این موضوع در مطالعه فوتانا و وود (10)، نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در درجه بعد زناشویی قرار دارد. این نکته مؤید آن است که شاید روی آوردن زنان به قالیبافی به دلیل تمایل آنها برای کمک به بهبود وضع زندگی همسر و فرزندان خود بوده و نشان از تلاش و فداکاری زنان برای بهبود وضعیت معیشتی دارد. تلاش اقتصادی زنان برای بهبود به وضعیت زندگی زناشویی در پژوهش نیرمالا و همکاران

جدول 4- اولویت‌های زندگی زنان روستایی در مناطق با توسعه یافتگی مختلف
Table 4- Life priorities of rural women in areas with different level of development

نام متغیر Variable	میانگین* منطقه توسعه یافته Developed areas' mean	میانگین* منطقه نیمه توسعه یافته Semi developed areas' mean	نمره تی t-value	سطح معناداری Sig.
اشتغال Employment	0.13	0.11	1.63	0.10
فرزندداری Child-development	0.14	0.15	-1.25	0.21
زناشویی Marriage skills	0.13	0.14	-1.23	0.21
مشارکت در گروه‌ها In-group participation	0.10	0.12	-1.74	0.08
ورزش Exercise	0.10	0.10	0.40	0.68
بهداشت Sanitation	0.10	0.11	-1.14	0.25
سوادآموزی Literacy	0.13	0.13	-0.003	0.99
دفاع از حقوق فردی Protecting personal rights	0.12	0.12	0.46	0.64

* میانگین در بازه 1-0 قرار دارد
The mean range between 1-5
ماخذ: یافته‌های تحقیق
Source: Research findings

یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه مهارت‌های اقتصاد خانوار است (5)، 8، 27 و 28). بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر زنان روستایی از حمایت متوسطی برخوردار بوده اند (3/44= میانگین). میانگین درک زنان پیرامون حمایت خانوار، برای مناطق بیشتر توسعه یافته و نیمه توسعه یافته بترتیب برابر با 4/03 و 2/88 می‌باشد. لذا، حمایت خانوار در مناطق بیشتر توسعه یافته بسیار بیشتر از مناطق نیمه توسعه یافته است. این موضوع می‌تواند دلیل خوبی برای بالاتر بودن میانگین حیطه‌های زندگی خانوادگی و مهارت‌های مدیریتی در مناطق بیشتر توسعه یافته باشد.

مهارت زندگی

در جدول 7 میانگین متغیرهای 11 گانه مهارت زندگی در مناطق توسعه یافته و نیمه توسعه یافته مورد مقایسه قرار گرفته است. بر اساس اطلاعات جدول، این روستاها از نظر مهارت‌های روابط انسانی و تفکر خلاق با یکدیگر دارای تفاوت معناداری هستند.

مهارت‌های اقتصادی خانوار و خانه‌داری

در جدول 5، مهارت‌های اقتصاد خانوار و خانه‌داری زنان قالیباف روستایی در مناطق با سطح توسعه یافتگی متفاوت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مناطق بیشتر توسعه یافته در حیطه مهارت زندگی خانوادگی دارای میانگین بیشتری از مناطق نیمه توسعه یافته هستند. این موضوع در مورد دو حیطه مهارت‌های مدیریتی و درآمدزایی در محیط خانه نیز صدق می‌کند. شاید مهم‌ترین دلیل این موضوع این است که زنان این مناطق توجه بیشتری به اشتغال و درآمدزایی در منزل دارند و در نتیجه خود را در این حیطه‌ها توانمندتر نموده‌اند. این نتایج در مطالعه منصورآبادی و کرمی (26)، نیز تأیید گردیدند.

ادراک زنان در خصوص حمایت خانوار از فعالیت‌های اقتصادی آنها

ادراک در خصوص حمایت اعضای خانوار از فعالیت‌های اقتصادی زنان

جدول 5- مهارت‌های اقتصادی خانوار و خانه‌داری زنان قابلیات روستایی در مناطق با توسعه یافتگی مختلف
 Table 5- Home economics competencies of rural women in areas with different level of development

نام متغیر Variable	میانگین [†] منطقه توسعه یافته Developed areas mean	میانگین [†] منطقه نیمه توسعه یافته Semi developed areas' mean	نمره تی t-value	سطح معناداری Sig.
مهارت زندگی خانوادگی Family living competencies	3.70	3.21	4.18	0.001**
مهارت مدیریتی Managerial competencies	3.29	2.73	5.40	0.001**
مهارت فرزندداری Child development competencies	3.06	3.10	-0.39	0.69
مهارت خانه داری و دکوراسیون خانه Housing and home furnishing competencies	2.95	3.03	-0.92	0.35
مهارت تغذیه Food and nutrition competencies	3.33	3.45	-0.98	0.32
مهارت پوشاک Clothing and textiles competencies	2.95	3.03	-0.84	0.39
مهارت درآمدزایی در محیط خانه Homemade income-generation activities	3.74	2.46	13.42	0.001**

† میانگین در بازه 1-5 قرارداد.
 The mean range between 1-5.
 ** $P < 0.01$.
 ماخذ: یافته‌های تحقیق
 Source: Research findings

جدول 6- مقایسه ادراک زنان در خصوص حمایت خانوار از فعالیت‌های اقتصادی آنان
 Table 6- Comparison of women perception regarding household support of their economic activities

درک از حمایت خانواده Perceived household support	میانگین [†] \bar{x}	انحراف استاندارد SD	نمره تی t-value	سطح معنی داری Sig.
توسعه یافته Developed	4.03	0.67	-10.072	0.001**
نیمه توسعه یافته Semi-developed	2.87	0.93		

† میانگین در بازه 1-5 قرارداد.
 The mean range between 1-5
 ** $P < 0.01$.
 ماخذ: یافته‌های تحقیق
 Source: Research findings

تعیین‌کننده‌های مهارت اقتصادی خانوار در روستاهای توسعه یافته و نیمه توسعه یافته

در واپسین گام این مطالعه، تعیین کننده‌های اقتصاد خانوار مورد واکاوی و مقایسه قرار گرفتند. به منظور شناسایی تعیین کننده‌های اقتصاد خانوار از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. برای بررسی سازه‌های تعیین کننده‌ی اقتصاد خانوار مجموعاً دو دسته سازه پی در پی وارد معادله شدند، که نتایج آن را می‌توان در جدول 8 مشاهده کرد. همانطور که در این جدول نشان داده شده است، در مرحله‌ی اول دسته متغیرهای مهارت‌های زندگی، اولویت‌های زندگی، حمایت خانوار، و ویژگی‌های فردی وارد معادله شدند. نتایج نشان می‌دهد که 65 درصد از تغییرات در مهارت اقتصادی خانوار را این متغیر تبیین می‌کند. در مرحله‌ی دوم متغیر سطح توسعه یافتگی

در مورد این مهارت‌ها روستاهای نیمه توسعه یافته در مقایسه با روستاهای بیشتر توسعه یافته در وضعیت مناسب‌تری قرار دارند. در متغیرهای مهارت خودآگاهی، روابط بین فردی، بهداشت و سلامت روانی، حل مسئله، و هدفمندی زندگی، میانگین مناطق نیمه توسعه یافته بیشتر از میانگین مناطق بیشتر توسعه یافته است. میانگین متغیرهای تفکر انتقادی و مسئولیت پذیری فردی، میانگین مناطق نیمه توسعه یافته کمتر از مناطق توسعه یافته است، که در این متغیرها نیز تفاوت موجود به لحاظ آماری معنی دار نبوده است. از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی که در سایر مطالعات مورد توجه قرار گرفته‌اند می‌توان به: بهداشت و سلامت روانی (33)، تصمیم‌گیری (43 و 44)، ارتباطات انسانی (4 و 36)، ارتباطات بین فردی (4)، و مهارت خودآگاهی (8)، اشاره نمود.

منطقه وارد معادله‌ی رگرسیونی شد. اضافه شدن این متغیر 6 درصد به قدرت مدل در تبیین تغییرات در متغیر وابسته مهارت‌های اقتصادی پیش‌بینی‌کنندگی مدل به 70 درصد رسید.

جدول 7- مقایسه مهارت‌های زندگی زنان قالیباف روستایی
Table 7- Comparison of rural women life competencies

نام متغیر Variable	میانگین [†] منطقه توسعه یافته Developed areas mean	میانگین [†] منطقه نیمه توسعه یافته Semi developed areas' mean	نمره تی t-value	سطح معناداری Sig.
خودآگاهی Self-awareness	3.07	3.10	-0.44	0.66
روابط انسانی Human relations	2.89	3.09	-2.19	0.03*
روابط بین فردی Inter-personal relations	3.16	3.26	-1.07	0.28
تصمیم‌گیری Decision-making	3.02	3.02	0.04	0.69
بهداشت و سلامت روانی Psychological health	3.06	3.19	-1.84	0.06
حل مسئله Problem solving	3.06	3.09	-0.31	0.75
همکاری Cooperation	3.09	3.09	0.005	0.99
تفکر خلاق Innovative thinking	2.57	2.81	-2.07	0.04*
تفکر انتقادی Critical thinking	3.11	3.07	0.46	0.64
مسئولیت‌پذیری فردی Personal responsibility	3.55	3.39	1.27	0.20
هدفمندی زندگی Meaningful life	3.06	3.18	-1.62	0.10

† میانگین در بازه 1-5 قرارداد.
The mean range between 1-5
* $P < 0.05$.
ماخذ: یافته‌های تحقیق
Source: Research findings

جدول 8- تعیین‌کننده‌های مهارت اقتصادی خانوار در زنان روستایی
Table 8-Determinants of rural women home economic competencies

مدل Model	ضریب همبستگی Correlation coefficient	ضریب تعیین R square	تغییر ضریب تعیین Adjusted R square	سطح معنی‌داری تغییرات Sig.
1الف A1	0.80	0.65	0.62	0.001
2ب 2b	0.84	0.70	0.68	0.001

توضیح: متغیر وابسته مهارت‌های اقتصاد خانوار می‌باشد. الف. پیش‌بینی‌کننده: (باقی مانده) و مهارت‌های زندگی، اولویت‌های زندگی، ادراک در خصوص حمایت خانوار، ویژگی‌های فردی (سن، سطح تحصیلات، سطح تحصیلات همسر، متوسط درآمد خانوار، درآمد حاصل از قالیبافی، متوسط هزینه ماهانه خانوار، تجربه قالیبافی). ب. پیش‌بینی‌کننده: مدل الف و سطح توسعه یافتگی منطقه

Note: Dependent variable is household economical competencies. A. Independent variable: (residual) and life competencies, life priorities, perceived household support, individual profile (age, education level, spouse education, household mean income, weaving income, household mean costs, weaving experience). B. Independent variable: Model A and level of development of the region.

ماخذ: یافته‌های تحقیق
Source: Research findings

زنان، تجربه قابلیافی و سطح توسعه یافتگی روستا است. بدیهی است مهارت‌های زندگی زنان روستایی، سطح توسعه یافتگی مناطق روستایی، میزان حمایت خانوار از فعالیت‌های زنان و تجربه قابلیافی آنان از تبیین‌کننده‌های مهارت اقتصادی خانوار در زنان روستایی می‌باشد. این یافته با مطالعات نوری و علی محمدی (32)، هرلیانا (12) و منصورآبادی و کرمی (26) همخوانی دارد. در این مطالعات نیز سطح توسعه یافتگی جامعه و حمایت و پشتیبانی خانواده به عنوان سازه‌های اثرگذار بر موفقیت اقتصادی زنان عنوان شده است.

با ورود متغیر سطح توسعه یافتگی منطقه به معادله، مدل نهایی شکل گرفت که جزییات آن در جدول 9 مشاهده می‌شود. فزون بر آن ضرایب استاندارد شده‌ی جدول 9 نشان می‌دهد که انحراف معیار تغییر در مهارت‌های زندگی، حمایت خانوار، تجربه قابلیافی و سطح توسعه یافتگی روستا به ترتیب موجب رخ دادن 0/24، 0/29، 0/55 و 0/42 تغییر در انحراف معیار مهارت‌های اقتصادی خانوار می‌شود. با توجه به سطح معنی‌داری متغیرها، مهارت‌های اقتصادی خانوار زنان روستایی تابعی از مهارت‌های زندگی، حمایت خانوار از فعالیت‌های

جدول 9- ضرایب رگرسیونی مدل نهایی تعیین‌کننده‌های مهارت‌های اقتصادی خانوار در زنان روستایی

Table 9- Regression coefficients of final model of determinants of home economic competencies of rural women

متغیر Variable	ضریب غیر استاندارد Unstandardized Coefficients	خطای استاندارد شده Std. error	ضریب استاندارد شده Unstandardized Coefficients	ارزش t t-value	سطح معنی‌داری Sig.
مقدار ثابت Constant	1.33	0.44	-	3.02	0.001
مهارت زندگی Life competencies	0.58	0.08	0.55	6.89	0.001
اولویت‌های زندگی Life priorities	0.40	1.78	0.01	0.22	0.82
ادراک از حمایت خانوار Percieved household support	0.13	0.03	0.29	3.98	0.001
سن Age	-0.001	0.005	-0.02	-0.29	0.77
سطح تحصیلات Education level	-0.007	0.01	0.04	-0.48	0.63
سطح تحصیلات همسر Spouse's educational level	-0.001	0.01	-0.005	-0.05	0.96
درآمد ماهانه خانوار Household income/month	-8.14*10 ⁻⁸	0.001	-0.02	-0.14	0.88
درآمد از فعالیت قابلیافی Weaving income	2.71*10 ⁻⁷	0.001	0.04	0.55	0.57
هزینه ماهانه خانوار Household costs/month	9.44*10 ⁻⁸	0.001	0.02	0.16	0.86
تجربه قابلیافی Weaving experience	-0.02	0.007	-0.24	-2.97	0.004
سطح توسعه یافتگی روستا Village's level of development	0.41	0.09	0.42	4.36	0.001

ماخذ: یافته‌های تحقیق

Source: Research findings

X₂: ادراک از حمایت خانوار
X₃: تجربه قابلیافی
X₄: سطح توسعه یافتگی روستا

بنابراین، رابطه رگرسیونی به شرح زیر تعریف می‌شود:

$$Y = B_0 + B_{X_1} + B_{X_2} + \dots + B_{X_K}$$

$$Y = 1/33 + 0/58X_1 + 0/13X_2 - 0/02 X_3 + 0/41X_4$$

Y: مهارت اقتصادی خانوار زنان روستایی

X₁: مهارت‌های زندگی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های مطالعه نشان‌دهنده سطح اندک تحصیلات رسمی در میان خانوارهای روستایی مورد مطالعه است. همچنین نتایج مطالعه نشان دادند که مهم‌ترین اهداف جامعه مورد مطالعه در زندگی به ترتیب عبارت از فرزندداری، زناشویی، سوادآموزی، اشتغال، دفاع از حقوق فردی، بهداشت، مشارکت در گروه‌ها و ورزش می‌باشد. لازم به ذکر است که این اهداف در بین جوامع مختلف از نظر سطح توسعه‌یافتگی دارای تفاوت معناداری با یکدیگر نیستند. یافته‌های پژوهش نشان داد که از میان مولفه‌های مهارت‌های اقتصادی خانوار و خانه‌داری، مهارت زنان به ترتیب اولویت از مهارت فرزندداری، مهارت خانه‌داری و مهارت دکوراسیون خانه، مهارت پوشاک، مهارت تغذیه، مهارت زندگی خانوادگی، مهارت مدیریتی و مهارت درآمدزایی در محیط خانه، قرار دارد. مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های مهارت اقتصاد خانوار نیز مهارت زندگی، سطح توسعه یافتگی مناطق روستایی، حمایت خانوار و تجربه فعالیت اقتصادی قالبیافی در آنان می‌باشد. از این رو پیشنهاد می‌گردد که:

- ✓ بر مبنای مهارت کمتر زنان در حوزه‌های مدیریتی و درآمدزایی، نیاز زنان در قالب برنامه‌های آموزشی مناسب به عنوان نخستین گزیدار قابل رفع خواهد بود. بدیهی است در آموزش به زنان روستایی، باید سطح توسعه یافتگی روستاهای محل زندگی‌شان را مد نظر قرار داد، زیرا نیازهای زنان و خانوارهایشان با توجه به سطح توسعه یافتگی مناطق متفاوت است.
- ✓ از آنجا که زنان روستایی ساکن مناطق توسعه یافته درک بهتری در خصوص حمایت خانوار فعالیت اقتصادی خود دارا بوده اند، لازم است در طراحی فرصت‌های آموزشی تلاش شود تا ضمن آگاهی رسانی و فرهنگ سازی در مناطق نیمه توسعه یافته موجبات حمایت گسترده‌تر اعضای خانوار فراهم گردد. در این راستا لازم است زمان و مکان ارائه آموزش‌ها، گروه هدف

را بیش از پیش منتفع سازد. مزیت ارائه فعالیت‌های اقتصادی خانوار بیش از پیش روشن گردد و تبعات ابراز توانمندی زنان در جامعه مشخص شود. برای مثال، لازم است اهمیت درآمدزایی در محیط خانه از طریق فعالیت‌هایی نظیر قالی بافی را برای زنان روستایی به روشنی متبلور ساخت تا به ارزش فعالیت‌های قالبیافی خود بیشتر پی ببرند. همین طور، لازم است اهمیت اینگونه فعالیت‌ها برای سایر اعضای خانوار نیز شفاف‌سازی گردد. بدیهی است تنها تبعات فعالیت‌های اقتصادی خانوار، تقویت بنیه اقتصادی خانوار نخواهد بود.

- ✓ در بُعد مهارت‌های زندگی زنان روستایی، لازم است با ارائه آموزش در حیطه مهارت فرزندداری به زنان روستایی، رضایت از زندگی در آنها افزایش یابد. این مهم می‌تواند از طریق ارتقاء میزان مهارت در شناسایی نیازهای فرزندان و تربیت و آموزش آنها، مهارت در سرگرم نمودن فرزندان خود در محیط خانه و ایجاد فضای مساعد و حمایت‌گر در محیط خانه، و آموزش‌های کمک‌های اولیه جهت مراقبت از فرزندان بیمار خود در مواقع ضروری تحقق یابد. برای آشنا سازی فرزندان با مشاغل و دنیای کار باید زنان روستایی از آموزش‌های لازم برخوردار باشند تا بتوانند درست عمل کنند. در بین ابعاد مهارت زندگی، زنان روستایی در تفکر خلاق، تصمیم‌گیری و برقراری روابط اجتماعی با سایرین دچار ضعف بوده و لازم است در این عرصه‌ها تقویت شوند. واگذاری مسئولیت‌هایی برای برقراری روابط با بیرونی‌های جامعه روستایی، به این مهم کمک می‌کند و فرصت لازم برای تصمیم‌گیری و تفکر خلاق را در آنان ایجاد خواهد نمود.
- ✓ با توجه به سطح سواد زنان روستایی، آموزش‌هایی که قرار است به زنان داده شوند به صورت فیلم‌های آموزشی باشند و به صورت طریقه‌ای آموزش داده شوند.

منابع

1. Abeygunawardena P., and Jayatilake W. 2003. Changing role of non-timber forest products (NTFP) in rural household economy: The case of Sinharaja world heritage site in Sri Lanka. *Environmental Management*, 32(5): 559-571.
2. Aiga H., and Umenai T. 2002. Impact of improvement of water supply on household economy in a squatter area of Manila. *Social Science & Medicine*, 5: 627-641.
3. Aazami M., and Soroushmehr H. 2011. Effectives of individual-economical factors on rural women's participation in productive cooperation (Case study: Sports ball making cooperation in Paave and Uramanat district). *Quarterly Journal of Rural Research*, 1(4): 179-204 (in Persian).
4. Bahrami R. A. 2013. TOPSIS method to measure the development level in rural districts of the city Ravansar. *Journal of Geographical Landscape*, 8(23): 73-89. (in Persian).
5. Becker G. S. 1981. *A Treatise on the Family*. Harvard University Press; ISBN 0-674-90698-5.
6. Bertini C., Schumacher A., and Thompson R.L. 2006. Modernizing America's food and farm policy: Vision for a new direction. Report of Agricultural task force. The Chicago Council on Global Affairs, 57 P.
7. Daniels L. 1999. The role of small enterprises in the household and national economy in Kenya: A significant

- contribution or a last resort? *World Development*, 27(1): 55-65.
8. Davis J.R. 2001. Conceptual issues in analyzing the rural non-farm economy in transition economies. Natural Resource Institute, Report NO. 2073.
 9. Folbre N. 1986. Hearts and spades: Paradigms of household economics. *World Development*, 14(2): 245-255.
 10. Fontana M., and Wood A. 2000. Modeling the effects of trade on women, at work and at home. *World Development*, 28(7): 1173-1190.
 11. Hejazi Y., Mirtorabi M., and Hosseini S.M. 2011. Factors influencing rural women's participation in post-harvest activities: A case study (Asara, Karaj). *Iranian Journal of Agricultural Economic and Development Research*, 42-2(1): 117-128 (in Persian).
 12. Herliana S. 2014. Model of household economic behavior Bamboo creative industries: A preliminary study. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 115:1-11.
 13. Hogarth N.J., Belcher B., Campbell B.B., and Stacey N. 2012. The role of forest-related income in household economies and rural livelihoods in the border-region of southern China. *World Development*, 43: 111-123.
 14. Hser Y., Hunt S.A., Evans E., Chang Y.J., and Messina N.P. 2012. Hispanic parenting women in women-only versus mixed-gender drug treatment: A 10-year prospective study. *Addictive Behaviours*, 37 (6): 729-735.
 15. Hudson F. 1974. Evaluation of home economics competencies achieved by graduates of Spearman high school. A thesis in home economics education submitted to the graduate faculty of Texas Tech University in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of science in home economics.
 16. International Federation for Home Economics (IFHE). 2014. Success for sustainable development through home economics education and training. Commission on the Status of Women - CSW 59, Beijing.
 17. Kar S.P., and Jacobson M.G. 2012. NTFP income contribution to household economy and related socio-economic factors: Lessons from Bangladesh. *Forest Policy and Economics*, 14: 136-142.
 18. Kavanagh K. F., Habibi M., Anderson K., and Spence M. 2010. Caregiver- vs infant-oriented feeding: A model of infant-feeding strategies among special supplemental nutrition program for women, infants, and children participants in rural East Tennessee. *Journal of the American Dietetic Association*, 110(10): 1485-1491.
 19. Kumple N.F., Milner-Gulland E. J., Cowlishaw G., and Rowcliffe J.M. 2010. Incentives for hunting: The role of bushmeat in the household economy in rural Equatorial Guinea. *Human Ecology*, 38: 251-264.
 20. Lacuna-Richman C. 2002. The role of Abaca (*Musa textilis*) in the household economy of a forest village. *Small-scale Forest Economics, Management and Policy*, 1(1): 93-101.
 21. Lado C. 1992. Female labour participation in agricultural production and the implications for nutrition and health in rural Africa. *Social Science and Medicine*, 34(7): 789-807.
 22. Lahsae Zadeh A.A. 1995. Role of women in rural economy of Iran. *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 21-22: 43-66(in Persian).
 23. Lee H.K. 2013. "I'm my mother's daughter, I'm my husband's wife, I'm my child's mother, I'm nothing else": Resisting traditional Korean roles as Korean American working women in Seoul, South Korea. *Women's Studies International Forum*, 36: 37-43.
 24. Lepine A., and Strobel E. 2013. The effect of women's bargaining power on child nutrition in rural Senegal. *World Development*, 45: 17-30.
 25. MacPhail J. 1993. Intergenerational caring in professional and family life: A physician father, nurse mother, a toddler, and an infant team up to form a unique home visiting service for elders. *Geriatric Nursing*, 14(2): 104-107.
 26. Mansourabadi A., and Karami E.A. 2006. Consequences of development on economic, social and cultural condition of rural womens: A case study in Fars provinces. *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 24(2): 107-128. (in Persian).
 27. Meenakshi J.V., and Ray R. 2002. Impact of household size and family composition on poverty in rural India. *Journal of Policy Modeling*, 24: 539-559.
 28. Miles M.S., Holditch-Davis F.D., Thoyre F.S., and Beeber L. 2005. Rural African-American mother parenting prematurely born infants: An ecological system perspectives. *Newborn and Infant Nursing Reviews*, 5(3): 142-148.
 29. Misselhorn A.A. 2005. What drives food insecurity in Southern Africa? A meta-analysis of household economy studies. *Global Environmental Change*, 15: 33-43.
 30. Narin U., Gupta S., and Veld K. 2008. Poverty and resource dependence in rural India. *Ecological Economics*. 66: 161-176.
 31. Nirmala G., Ramana D.B.V., and Venkateswarlu B. 2012. Women and scientific livestock management: Improving capabilities through participatory action research in semi arid areas of sought India. *APCBEE Procedia*, 4: 152 - 157.
 32. Noori S., and Ali Mohamadi N. 2009. An analysis of rural women economical activities (case study: Baraan

- region_ Isfahan city). *Geography and Environmental Planning*, 20(2):87-104. (in Persian).
33. Nouri Zaman Abadi S.H.A., and Amini Faskhodi A. 2007. Agricultural development contribution to rural development (case study: Isfahan province rural areas). *Quarterly Iranian Journal of Agricultural Sciences*, 38-2 (2): 263-275. (in Persian).
 34. Odame H.H., Hafkin N., Wesseler G., and Boto, I. 2002. Gender and agriculture in the information society. *International Service for National Agricultural Research*, 55, 1-8.
 35. Olyaie M.S., Rezvanfar A., and Akbari M. 2009. Study of influencing socio-economic factors on rural women contribution in household income: A case study of Divandarreh County in Kurdistan, Iran. *Journal of Agricultural Sciences and Natural Resources*, 16 (Special issue 1-a): 12-22. (in Persian).
 36. Pooley C. G., Turnbull J., and Adams M. 2005. Everywhere she went I had to tag along beside her: Family, life course, and everyday mobility in England since the 1940s. *History of the Family*, 10: 119–136.
 37. Pourahmad A., Taherkhani M., and Babakhani R. 2003. The role of industrial areas in employment and decrease of rural migration (case study: Lasjerd industrial area). *Geographical Research Quarterly*. 34(43): 43-56. (in Persian).
 38. Rahman M., Furukawa Y., and Kawata I. 2005. Homestead forest resources and their role in household economy: A case study in the villages of GazipurSadarUpazila of Central Bangladesh. *Small-scale Forest Economics, Management and Policy*, 4(3): 359-376.
 39. Saatchi M. 2007. *Psychological tests*. Virayesh Publication, Tehran, 394 p.
 40. Scheaffer, R.L., Mendenhall, W., and Ott, L. 1996. *Elementary survey sampling*. Pacific Grove (CA): Duxbury press.
 41. Thome M., Alder E.M., and Ramel A. 2006. A population-based study of exclusive breastfeeding in Icelandic women: is there a relationship with depressive symptoms and parenting stress? *International Journal of Nursing Studies*, 43: 11–20.
 42. Valentine G. 1996. A safe place to grow up? Parenting, perception's of children safety and the rural idyll. *Journal of Rural Studies*, 13(2): 137-148.
 43. Van der Poel P., and Van Dijk H. 1987. Household economy and tree growing in upland Central Java. *Agroforestry Systems*, 5: 169-184.
 44. World Bank. 2008. *World development report 2008: Agriculture for development*. Washington, DC: World Bank.
 45. Zhang Y. 2006. The household preference structure and pricing-to-market in the new open economy macroeconomics models. *International Review of Economics & Finance*, 15 (4):505- 524.